

افغانستان

از داود ایسم تا کرزی ایسم

سی و دو سال پیش از امروز، هنگامیکه داود خان به دنبال مشروعیت شتافت، لویه جرگه "شورایی بزرگ" در افغانستان شخصی را بدون اینکه کاندیدای دیگر در برابرش قرار داشته باشد، برگرده های مردم نشانده آن زمان که یک عده خوار بارگرایانی که از دستر خوان خانواده آل یحی شکم سیر می کردند، در لویه جرگه "شورایی بزرگ" جار زدند "محمد داود کاندیدای من است" و به دنبال آن یک عده دیگر که خود را در اقلیت دیدند از ترس اینکه فردا داود سالهای ۱۳۳۰ آنها را در مخوف ترین سلول های زندان سر به نیست نکنند، از مجبوری تام و تمام دست بلند کردند و به داود خان کف زدند که داود خان اولین رییس جمهور انتخابی افغانستان است.

محمد داود که در آن زمان پس از برگشت از اتحاد جماهیر شوروی، شعار میداد که تاب شنیدن ایدیولوژی های وارداتی را ندارد او در هراس اینکه مبادا فردا ها قضاوت نادرست علیه او نمایند دست به چنین اشتباه بزرگ زد که همه مردم امروز نتها که قضاوت داودی نمیکنند بلکه با دلایل تام و تمام جنایت های آن را نفرین می کنند. محمد داود که دیروز با این گونه مشروعیت دروغین به قدرت رسید امروز من، نوعیت برگرده های مردم نشستن محمد داود را با فریب که مردم را داد به نام داود ایسم می خوانم.

نرخ داود ایسم با انقلاب ثور به دکانهای بخت داودی با خودش یکجا دفن شد و کسی دیگری سربر نیآورد تا آنرا در بازارهای سیاسی مورد چلش در آورند، چون نمی خواستند که مانند او نامشان به مکتبی مبدل شود که سراپا حکایه گر دروغین بودن و قلابی بودن شعار های او بود. داود ایسم پس از مرگ داود به تاریخ سپرده شد و پس از سی و دو سال مکتبی دیگری در

افغانستان روی کار آمد که من آنرا کرزی ایسم می خوانم. مکتبی که سراپا فاسد، دروغ گو، پوشالی، فریب دهند، جعل کننده و ارتجاع گرا است. این مکتب هشت سال چون ترب در زیر جوال خوابید و پس از پایان نمایشگاه انتخاباتی با دهل شنوا به سرایش و تولدش به مردم افغانستان، پیام اعلام حضور و نزولش را شنواند.

پیش از تولد این مکتب کرزی ایسم؛ دهل ها چنان کوفته شد که گوش ها را کر ساخت و رقاصان چنان رقصیدند که پا هایشان آبله آلود گردید و کرسی نشینان چنان کف زدند که دستهای شان ورم کرد و چنان جار زدند که گلو هایشان از بی آبی خشک شد، که های مردم دیموکراسی حکومت شماست، در حکومت تان نقش بازی کنید؟! دور اول نمایشگاه انتخاباتی در افغانستان با این شعار ها به اتمام رسید و کمیسیون انتخابات با تعلل های بی مورد، نتایج را اعلام کرد که در آن هیچ یک از کاندیدا ۵۰٪ بر علاوه یک را به دست نیاورده بودند در حالیکه پس از پایان "انتخابات" کرزی و عبدالله ادعای پیروزی دروغین و تقلبی در این بازی مرموز و خون آلود را به مردم اعلان نمودند.

با اعلام مجدد برگزاری انتصابات در ۱۶ عقرب، مردم باری دیگر بر همان پله نشستند که پیش از برگزاری نمایشگاه ۲۹ اسد در آن سکو ایستاده بودند. مردم با ترس و وحشت که امروز در افغانستان حاکم است، دیگر نمی خواستند تا پای صندوق های رأی بیایند و رأی شان را استعمال کنند. آنها از خود می پرسیدند که دیروز رأی دادیم در آن تقلب صورت گرفت امروز برای چه و که به پای صندوق های رأی دهی برویم؟ در حالیکه مردم همان روز ۲۹ اسد انتخابات را تحریم کرده بودند و جزء چهار میلیون رأی دهنده، که آنها هم با مشکلات که داشتند مجبور شدند تا پای صندوق های رأی بروند در حالیکه خود آماده نبودند تا یک بار دیگر اشتباه سال ۱۳۸۳ را مرتکب گردند و به تقلب کراسی رأی بدهند، کسی دیگری تا پای صندوق رأی نرفت و رسانه های غرب گرا آنرا حضور گسترده مردم در انتخابات افغانستان در روز انتخابات قلمداد می کردند. از اینرو این عمل شجاعانه مردم که با سکوت معنا داری مخالفت خود را با تقلب و دشمنان وطنشان که هر روز

ده ها هموطنشان را به خاک و خون می کشاند و در مطبوعات به عنوان حامیان مردم افغانستان جار می زنند که ما برای دیموکراسی و آزادی افغانها و شهرواندان جهان از شر تروریسم به افغانستان آمده ایم؟! مردم که هویت آنها را خوب شناخته اند و از اهداف شوم شان نیز آگاه شده اند، آنها را اشغالگرایان و استعمار گران خطاب میکنند. این درک مردم ما از دست نشاندگان بیگانه و از استعمار گران و استثمار گران مایه فخر است.

اشغالگرایان با ترس اینکه بیشتر بی آبرو در نزد مردم افغانستان و جهان نگردند، این صحنه ها را تماشا میکردند. و مردم افغانستان هم نظاره گر این اوضاع بودند. مردم این بار تصمیم گرفته بودند که تا اصلاً به کسی رای ندهند تا با عزتشان دیگران بیشتر ازین بازی نکنند. خارجی ها با درک این شرایط و آگاه شدن از اراده مردم افغانستان، بالای عبدالله فشار وارد کردند تا او از دور دوم انتخابات کناره گیری کند و وی که نوکر نامدار است، حرف بدارانش را به زمین نگذاشت و روز نهم عقرب دستور بدارانش را به عنوان تصمیم اش اعلام کرد که در انتخابات شرکت نمی کند. کناره گیری وی را بی بی سی هم زمینه ساز ایجاد دیموکراسی گفتگویی در افغانستان عنوان کرد و بیان داشت که افغانها نیاز مند چنان دیموکراسی هستند. در کشوری که چیزی هنوز به نام دیموکراسی وجود ندارد، چه رسد به مبدل کردن دیموکراسی به گفتگو. کلنتون کناره گیری وی را بی تأثیر در مشروع بودن انتخابات خواند و گوردن براون هم پس از آن گفت که حالا آنچه مهم است، این است که شاهد تشکیل یک دولت خوب در افغانستان باشیم که بتواند با فساد مبارزه کند و حاکمیت را در مناطق دور دست افغانستان تامین کند. شاهد حکومت خوب به گفته گوردن براون چیزی جزء همانا بیرون آمدن آش بدترین نوع حکومت دنیا از دیگ پخته ای تقلب ایزم که در نهم عقرب به کاسه ها ریخته شد نبودیم. کلنتون خود می گوید که کناره گیری عبدالله در مشروعیت انتخابات بی تأثیر است این واضح است و باید چنان و چنین هم بگوید آخر بیش از ۴۰ هزار سرباز در افغانستان این غول های یانکی دارند مردم افغانستان دیگر کیست که رأی زنی راجع به مشروعیت و عدم مشروعیت نظام میکنند. و بی بی سی که می گوید کناره گیری عبدالله زمینه

ساز دیموکراسی گفتگویی است واضح است که انگلیس به دنبال شخصیت سازی برای داکتر عبدالله است تا در روز مبادا از وی استفاده های اعصاری خود را نماید.

کمیسیون "انتخابات" ساعت سه و نیم عصر روز دهم عقرب بدون هیچ مدرکی اعلام کرد که انتخابات دیگر در کار نیست و کرزی رییس جمهور است. دقیقاً این تصمیم که پس از سفر دبیر کل سازمان ملل متحد در افغانستان و به دنبال دیدار های بان کی مون سردبیر ملل متحد با آنگلو مون افغانی و یانکی مون افغانی دو نماینده پیش تاز در انتخابات ریاست جمهوری به گفته بی بی سی اتخاذ شد، نشان میدهد که گره های موجود افغانستان در کجاها به گره کور مبدل می شود. و طفل هشت ساله کرزی ایسم چگونه با دایه گی بانکی مون به دنیا می آمد و همان دایه اش اولین مبارک باد را به وی می فرستد و پس از آن هم یکی پی دیگر، کشور های که خواسته هایشان با این اعلام بر سکو می نشیند چه گونه شروع کردن به مبارک باد گفتن به تولد مکتب کرزی ایسم در افغانستان!؟؟؟

داود ایسم در لویه جرگه "شورای بزرگ" با شعار های قبایل بدون حضور داشت کدام رقیب به قدرت رسید و مشروعیت ساختگی برای نظام خود بدست آورد و کرزی ایسم با ثقل و فساد و جعل و تزویر آرای مردم و بی اعتنایی به رای مردم و پشت پا زدن به ارزش رأی مردم و بی تأثیر خواندن نقش مردم در آینده سیاسی کشورشان با رأی تأیید که از سوی بادرانش به وی داده شد، اینگونه مردم را فریب میدهد و به قدرت می رسد. حتا کاری محمد داود را هم انجام نمی دهد و از او هم در این امر پیشی میگیرد و در نظامیکه خود آنرا دیموکراسی می خواند اینگونه دیموکراتیزم را به کرزی ایسم مبدل می کند و بر گرده های مردم برای چند سال و چندین سال دیگر می نشیند.

۱/کرزی ایسم و مشروعیت

سالهای پیش دولت های که بر گرده های مردم سوار بودند، مشروعیت خود را از طریق، جبر، ظلم، خویشتاوند و قتل و قتل بدست می آوردند، حالا دیگر این مشروعیت از طریق رای مردم به دست میاید. اما در نظامیکه جزء همین دنیا حساب می شود پنج سال آینده با گاو آهن بر دوش مردم نشستاده شد، مشروعیت چگونه اعطا شده است؟

اگر کوتاه به این پرسش پاسخ بگویم واضح است که در کشوریکه تا هنوز مردم نظام مستقل ندارند و از نظر تعریف دولت داری تا هنوز دولتی ندارند و از نگاه استقلال سیاسی و اقتصادی که به آن دسترسی ندارند، طبیعی است که تصمیم آنها در مشروعیت بخشیدن نظام شان شرط نیست، نتها شرط نیست که حتا حق اظهار نظر هم در آن مورد ندارند چون مشروعیت به آن از طرف کشور های که در افغانستان حضور دارند پرداخته می شود. از اینرو مردم افغانستان دیگر کیست که به آن مشروعیت ببخشد، به گفته هیلاری کلینتون و دولت داران نوکر ماب افغانی ما.

۲/کرزی ایسم و نظام دیموکراتیک

از همان آغاز دیموکراسی در افغانستان رد پای استبداد، کشتار، قتل و تجاوز بر دارای های عامه و دخترانی افغانی بود. پس از سقوط دروه فاشیستی نظام طالبانیسم در افغانستان، چیزی که در کشور ما به میان آمد نه دیموکراسی بود و نه دیکتاتوری که دیموکتاتوری بود ولی حالا که دیموکتاتوری به سر رسیده جایش را کرزی ایسم اختیار می کند. این نظام که از همان روز های آغازینش، حکومت مواد مخدر، جنگسالاران، تروریستان، جنایت کاران، ناقضان حقوق بشر، فساد اداری و چپاول بود با روی کار آمدن دوباره کرزی ایسم، آب دیگری بر ریشه ای همان جنایت های که در بالا شمردیم، ریخته خواهد شد و اینبار حتا عفت زنان را در افغانستان خصوصی خواهند کرد. این هویت دیموکراتیک بودن کرزی ایسم است.

۳/کرزی ایسم و عدالت

کرزی ایسم اصلاً به چیزی به نام عدالت باور ندارد. بانی این مکتب جنایت کاران جنگی را شخصیت های ملی افغانستان می خواند، و همین اکنون دو جنایت کاری در کنارش به عنوان معاونینش ایستاده اند. از این مکتب مردم افغانستان باید توقع نداشته باشند که خون فرزند هایشان را از قاتلین که در حکومت قاتل در پست هابلند دولتی کار می کند اعاده کنند چون همان گونه که گفتم کرزی ایسم به عدالت باور ندارد. اگر باور مند به آن می بود باید پروسه عدالت انتقالی در افغانستان به مسند اجرا گذاشته می شد تا به شهدا احترام می گردید و به فامیل های شهدا عزت داده می شد. که تا هنوز چنین پروسه راه اندازی نگردیده و در انتظار آغاز و انجام چنین پروژه های هم باید نباشیم. آنچه را که از این به عنوان عدالت توقع داشته باشیم، حمایت از قاچاق بران مواد مخدر، سرکوب آزادی بیان، زندانی نمودن خبر نگاران، زندانی نمودن زنها در دیوار های خانه ها، وضع قوانین لجام گسیخته چون قانون احوال شخصیه اهل تشیع، تقویه بنیاد گرای، تبلیغ رعب و وحشت، افزایش دهشت افگنی و حمایت از جنگسالاران است.

۴/کرزی ایسم و ثبات

نظم دولتی که توسط کرزی ایسم روی کار آمده و روی کار خواهد آمد، دولت فساد، رعایت خویشاوندی، چپاول، نوکر و ارتجاعی تا کنون بوده و بعداً نیز خواهد بود و ما نباید منتظر باشیم که قانون روی کار آید و حرف اول را باید قانون بزند. بلکه منتظر باشیم که حرف اول را قاچاقچیان مواد مخدر، جنگسالاران، ناقضان حقوق بشر و فهیم کراسی، محمود کرزی کراسی، سیاف کراسی، دوستم کراسی، ربانی کراسی، مجددی شیخ الشیاطین کراسی، قانونی کراسی، عطا کراسی، چکری کراسی، فضل هادی شنواری کراسی و کراسی ها و کرات های دیگر به زبان رانند.

سرنوشت ما در یک حکومت که توسط کرزی ایسم اداره خواهد شد چنان خواهد بود.

کرزی ایسم، نماد از حکومتی است که در آن نه دادگر وجود دارد و نه داد گستری. آنکه بر سکوی آن می نشیند، کسی است که با گاو آهن بر دوش مردم سوار می شود و قدرت را قبضه میکند و از

آن برای تقویه کردن فواصل میان مردم و دولت تلاش میکند و هرچه بیشتر بر تفرقه گرایی و تفرقه افگنی فعال تر می شود و بیشتر عمل میکند و کوشش خواهد کرد که مصطلحات ملی را حفظ کند تا مردم دیگر به زبان خود حرف زده نتوانند و فرهنگ شان را فراموش کنند. این مکتب بیشتر تلاش خواهد کرد تا ارزش های اصیل جای خود را به ارزش های تازه بدهد که عبارت از بی اعتنایی به وطن، کشتن هویت مردم، قاچاقچی معرف کردن مردم، محو تاریخ واقعی مردم، تیشه زدن بر ریشه های نهال های که از پنجهزار سال به اینطرف زندگی میکنند و در نهایت زدودن نام هر کسی که درافغانستان زندگی می کنند. کارایی این حکومت در عرصه های ضد مدنی و ضد حقوقی و قانونی بیشتر است تا در راستای قانونی کردن افغانستان.